

الی اصول علم الاثر (مصر ۱۳۲۰)؛ بدیع التلخیص و تلخیص البدیع (سوریه ۱۲۹۶)؛ و شرح خطب ابن نباته (مصر، بی تا)؛ نیز به سرکیس، همانجا).

۲) یادداشتها. مغربی (ص ۱۷۹-۱۸۰) در باره یادداشتهای جزایری که در اختیار «المجمع العلمی» است، به طور مفصل بحث کرده است. بخشی از این یادداشتها در باره تفسیر بیضاوی است که در چهار جلد تنظیم شده است.

۳) نامه‌ها. کردعلی (۱۳۴۷، ج ۸، ش ۱۱، ص ۶۶۸-۶۶۹) در باره نامه‌های جزایری به تفصیل سخن گفته و متن برخی از آنها را در مقالات خود آورده است. این نامه‌ها برای تاریخ و فرهنگ و تمدن کشورهای اسلامی در قرنهای سیزدهم و چهاردهم هجری، سندهای ارزشمندی به شمار می‌آیند.

منابع: خیرالدین زوکی، الاعلام، بیروت ۱۹۹۹؛ یوسف الیان سرکیس، معجم المطبوعات العربیة و المغربیة، قاهره ۱۹۲۸/۱۳۴۶، چاپ افست قم ۱۴۱۰؛ عمر رضا کحّال، معجم المؤلفین، دمشق ۱۹۵۷-۱۹۶۱، چاپ افست بیروت [بی تا]؛ محمد کردعلی، «الشیخ طاهر الجزائری»، مجله المجمع العلمی العربی، ج ۱، ش ۱ (ربیع الآخر ۱۳۳۹)؛ همو، المعاصرون، چاپ محمد مصری، بیروت ۱۹۹۳/۱۴۱۳؛ همو، «المعاصرون: الشیخ طاهر الجزائری»، مجله المجمع العلمی العربی، ج ۸، ش ۱۰ (ربیع الآخر و جمادی الاولی ۱۳۴۷)، ش ۱۱ (جمادی الاولی و جمادی الآخر ۱۳۴۷)؛ زکی محمد مجاهد، الاعلام الشرقیة فی المانة الرابعة عشرة الهجرية، بیروت ۱۹۹۴؛ مغربی، «الظاهر من آثار الشیخ طاهر، او، التذکره الطاهرية»، مجله المجمع العلمی العربی، ج ۳، ش ۶ (شوال و ذیقعد ۱۳۴۱)؛ نصرالله نیکبین، فرهنگ جامع خاورشناسان مشهور و مسافران به مشرق زمین، تهران ۱۳۷۹ ش.

/ سیدمحمد حسینی /

جزایری، عبدالله بن نورالدین، فقیه، محدث، منجم و مورخ امامی قرن دوازدهم. جد او، سید نعمت‌الله جزایری* (متوفی ۱۱۱۲)، و پدرش سید نورالدین جزایری* (متوفی ۱۱۵۸) بود. عبدالله در شوشتر به دنیا آمد (محمد جزایری، ج ۱، ص ۲۹). سال ولادت او را برخی (به آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۴۳؛ همو، ۱۳۷۲، ش ۴۵۶) ۱۱۰۴، برخی (به عبدالله جزایری، ۱۴۰۹، مقدمه شماری حائری، ص ۲۲؛ افشار سیستانی، ج ۲، ص ۶۰۸) ۱۱۱۲ و برخی (به انصاری، ص ۳۷۰؛ شوشتری، ص ۱۰۹؛ جرزالدین، ج ۲، ص ۸؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۴۲، ج ۹، ص ۸۴۲) ۱۱۱۴ دانسته‌اند. محمد جزایری (ج ۱، ص ۲۹، پانویس ۲) با مقایسه نسخه خطی تحفة العالم با نسخه چاپی آن، ۱۱۱۴ را که در نسخه چاپی آمده، تصحیف شده دانسته و تاریخ دقیق تولد او را ۷ شعبان ۱۱۱۲ ذکر کرده است. در تأیید نظر محمد جزایری،

می‌توان اضافه کرد که طبق گزارش شوشتری در تحفة العالم (ص ۱۰۹)، سید نعمت‌الله، نوه خود (عبدالله) را دیده است که این گزارش با توجه به درگذشت سید نعمت‌الله در ۱۱۱۲ (به همان، ص ۱۰۵)، با تولد عبدالله در ۱۱۱۴ سازگار نیست.

آقابزرگ طهرانی (۱۳۷۲، ش، همانجا)، با استناد به گفته خود عبدالله جزایری در تذکره شوشتر - که سن خود را هنگام تألیف آن در ۱۱۶۴، «افزون بر پنجاه سال» ذکر کرده - احتمال داده است که او در ۱۱۰۴ (نه ۱۱۱۴) به دنیا آمده باشد؛ ولی، این احتمال بعید به نظر می‌رسد، چون با این فرض، عبدالله در ۱۱۶۴ شصت یا حدود شصت سال داشته است؛ اما اگر سال تولد او ۱۱۱۲ فرض شود، او در ۱۱۶۴ حدود ۵۲ سال داشته که با تعبیر «افزون بر پنجاه سال» سازگارتر است.

به گزارش برخی منابع (به شوشتری، ص ۱۰۹؛ افشار سیستانی، ج ۲، ص ۶۰۸)، عبدالله از کودکی زیر نظر پدر بزرگش، سید نعمت‌الله، تربیت شد، ولی چنانچه عبدالله در ۷ شعبان ۱۱۱۲ به دنیا آمده باشد، با توجه به درگذشت سید نعمت‌الله در ۲۳ شوال همان سال، یعنی ۷۶ روز بعد از تولد عبدالله (به تقی‌زاده، ص ۱۹۴)، این گزارش نادرست می‌نماید، به ویژه اینکه سید نعمت‌الله در مسیر بازگشت از سفر مشهد و پیش از رسیدن به شوشتر فوت کرده است (به شوشتری، ص ۱۰۵؛ تقی‌زاده، همانجا).

نورالدین که آثار تیزهوشی را در فرزندش عبدالله دید، از سه چهار سالگی به تعلیم او پرداخت و علوم بسیاری، از جمله ادبیات عرب، تفسیر، حدیث و فقه، را به او آموخت (شوشتری، ص ۱۰۹؛ امین، ج ۸، ص ۸۷؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۱۹۹). گفته‌اند که جزایری تا شانزده سالگی همه علوم شرعی و دینی را فراگرفت (به شوشتری؛ افشار سیستانی، همانجاها).

عبدالله پس از فراگیری مراحل نخست علوم دینی در زادگاهش، به اصفهان، فارس، خراسان، آذربایجان و برخی ممالک آسیای صغیر سفر کرد و از دانشمندان بسیاری بهره برد. او علاوه بر علوم ادبی و شرعی، به فراگیری علوم چون حکمت، ریاضیات، نجوم، هیئت و طب پرداخت و در آنها مهارت یافت (شوشتری، همانجا؛ محمد جزایری، ج ۱، ص ۳۰-۳۱؛ نیز به عبدالله جزایری، ۱۳۴۸، ش، ص ۲۰۷-۲۰۹؛ همو، ۱۴۰۹، ص ۱۲۶، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۳). تنوع و گستردگی نوشته‌های او گواه این مدعاست (به ادامه مقاله).

استادان مهم جزایری، علاوه بر پدرش، عبارت بودند از: سیداحمد بن محمد مهدی شریف خاتون‌آبادی (متوفی ۱۱۵۴ یا ۱۱۵۵، ریاضیدان و عالم هیئت)، محمدرفع الدین گیلانی شهدی (متوفی ۱۱۶۱)، یعقوب بن ابراهیم بختیاری حویزی

پدرش در غرضه کوچکی در ضلع شرقی حیاط مسجد جامع شوشتر به خاک سپرده شد (شوشتری، ص ۱۱۶؛ محمد جزایری، ج ۱، ص ۵۵؛ اقتداری، ج ۱، بخش ۱، ص ۶۸۱). جزایری در نوشته‌های خود آشکارا به مشرب اخباریان تمایل نشان داده است. میرزا محمد نیشابوری، اخباری مشهور، او را در زمرة منکران طریقه اجتهاد برشمرده است (به خوانساری، ج ۴، ص ۲۵۸). جزایری خود در مقدمه کتاب *التحفة السنیة* (ص ۴-۶، ۱۴)، در باب شبهات حکمی تحریمی، به پیروی از مسلک متداول در میان اخباریان، به نفی برائت و وجوب احتیاط قائل شده است. همچنین وی در مقام استنباط، حجیت عقل را به عنوان منبعی معتبر در تشریع انکار کرده است. با این همه، این سخن مدرّس تبریزی (ج ۳، ص ۱۱۵) که جزایری مسلک اخباری محض داشته و منکر طریقه اجتهاد بوده است، چندان درست نیست، زیرا جزایری آرای عالمان اخباری سرسختی چون عبدالله بن صالح بحرانی را، در باره منع عمل به ظواهر کتاب و مشابه بودن کل قرآن، مبالغه‌آمیز شمرده است (به ۱۴۰۹، ص ۲۰۳). به علاوه، او به مناسبت بحثی دیگر، پس از تقسیم مشرب فقهی عالمان شیعی به اصولی و اخباری، بین مجتهدان و اخباریان راهی میانه را برگزیده است (به همان، ص ۱۹۴-۱۹۵؛ همو، ۱۳۴۸، ش، ص ۱۷۳-۱۷۴؛ محمد جزایری، ج ۱، ص ۳۱؛ برای آگاهی بیشتر به جزایری، سید نعمت‌الله، در مقابل، جزایری با عقاید و آموزه‌های صوفیان مخالفت صریح کرده است (به آقابزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ش، ص ۴۵۷؛ نیز برای نمونه به عبدالله جزایری، ۱۴۰۹، ص ۱۲۹).

از جزایری کتابها و نوشته‌های متعددی در علوم و فنون مختلف به جای مانده است. همچنین به تشویق پدرش، برشماری از کتابهای فقهی و حدیثی حاشیه یا شرح نوشته است. شمار مجموع این نوشته‌ها افزون بر سی اثر است (به عبدالله جزایری، ۱۴۰۹، ص ۵۰-۵۱، ۵۳-۵۴؛ امین، ج ۸، ص ۸۷؛ افشار سیستانی، ج ۲، ص ۶۰۹) که از مهم‌ترین آنها است:

۱) *الاجازة الکبيرة*، اجازه مفصلی است که سید عبدالله در ۱۱۶۸ آن را برای چهار تن از عالمان حویزه، به نامهای محمد بن کرم‌الله حویزی، ابراهیم بن خواجه عبدالله حویزی، ابراهیم بن عبدالله حویزی همیلی و محمد بن محمد مقیم اصفهانی غروی، نگاشته است (به عبدالله جزایری، ۱۴۰۹، ص ۳-۴، ۲۱۱-۲۱۲).

جزایری در این اثر، علاوه بر ذکر مشایخ حدیثی و طرق روایت آنها، در فصلی مستقل به تکمیل *امل الامل* حیرعاملی، پرداخته و احوال عالمان از ۱۰۹۷ به بعد را شرح کرده است (به

متوفی بعد از ۱۱۵۰)، نظرعلی بن محمد امین زجاج نُستری (متوفی ۱۱۵۰)، میر صدرالدین رضوی قمی (متوفی بعد از ۱۱۶۰) و عبدالله بن کرم‌الله حویزی (متوفی ح ۱۱۳۱؛ به عبدالله جزایری، ۱۳۴۸، ش، ص ۱۶۳؛ همو، ۱۴۰۹، ص ۱۲۶-۱۲۸، ۱۴۱-۱۴۲، ۱۴۹، ۱۸۲، ۱۹۱؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۷۱؛ ج ۶، ص ۶۳، ۱۹۵، ج ۱۱، ص ۱۷۴، ج ۱۵، ص ۷۱).

برخی از مشایخ حدیثی جزایری این اشخاص بودند: پدرش که عبدالله از او اجازه‌ای عام داشت، محمدحسین خاتون‌آبادی* (متوفی ۱۱۵۱)، رضی‌الدین بن محمد عاملی مکی (متوفی ۱۱۶۸) و نصرالله بن حسین موسوی حائری (متوفی میان سالهای ۱۱۵۶ تا ۱۱۶۸؛ به عبدالله جزایری، ۱۴۰۹، ص ۵۹-۶۰، ۸۳، ۹۵-۹۷؛ محمد جزایری، ج ۱، ص ۴۱).

سید عبدالله جزایری پس از درگذشت پدرش در ۱۱۵۸، مناصب شرعی او را در شوشتر برعهده گرفت که از آن جمله افتا و امامت جمعه و جماعت و نیز تدریس علوم دینی بود (شوشتری، ص ۱۰۹؛ محمد جزایری، ج ۱، ص ۲۸، ۳۰، ۳۲). وی حوزه‌ی درسی پر رونقی داشت و شاگردان بسیاری تربیت کرد (محمد جزایری، ج ۱، ص ۴۵) که در تذکرة شوشتر (ص ۱۶۹-۱۷۶) از آنان نام برده است.

گزارشهایی که سید عبدالله جزایری در کتابهایش از عالمان و حکیمان و ادیبان روزگار خویش فراهم آورده است، از روابط گسترده‌اش با آنان حکایت می‌کند (برای نمونه به ۱۴۰۹، ص ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۷-۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۸-۱۴۹، ۱۵۳، ۱۸۴، ۱۹۱؛ ۱۴۲۰، ص ۳۸-۴۲، ۵۵).

عبدالله‌اللطیف شوشتری (ص ۱۱۲-۱۱۳) در باره آشنایی سید عبدالله با ادیان مسیحی، یهودی و زردشتی و متون دینی آنها و نیز فراگیری زبان‌شان به تفصیل سخن گفته است که مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسد، چنان که گفته‌اند سید عبدالله خود نیز چنین ادعایی نکرده است (به کسروی، ص ۲۵۹-۲۶۰).

عبدالله‌اللطیف شوشتری (ص ۱۱۲) جزایری را در زمرة عالمان و بزرگانی دانسته است که در ۱۱۴۸ در جشن تاجگذاری نادرشاه در دشت مغان گرد آمدند. به گفته او، جزایری در حضور شاه خطبه‌ای بلیغ ایراد کرد. تذکرة نویسان بعدی نیز سخن شوشتری را تکرار کرده‌اند (به آقابزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ش، همانجا؛ محمد جزایری، ج ۱، ص ۳۱-۳۲؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۲۰۰). جزایری در تذکرة شوشتر (ص ۱۲۰-۱۲۱) به شرح واقعه پرداخته، اما به حضور خود در آن جمع اشاره‌ای نکرده است. بر این اساس، کسروی (ص ۲۶۰) حضور جزایری و خطابه خواندن وی را در این مراسم نفی کرده است. سید عبدالله در ۱۱۷۳ در شوشتر درگذشت و در جوار قبر

همان، ص ۱۱۷-۱۱۸، ۱۲۰-۱۹۳). وی همچنین در فصلی مستقل به شرح احوال و ذکر آثار عالم اخباری مشهور، شیخ عبداللّه بن صالح بحرانی، پرداخته است (ص ۲۰۰-۲۱۰).
 الاجازة الکبيرة، به سبب اطلاعات گرانبهایی که در باره مشایخ حدیث و عالمان اواخر دوره صفوی (حک: ۹۰۶-۱۱۳۵) دارد، محل توجه عالمان، محدثان و مورخان قرار گرفته است. این اثر همچنین حاوی اطلاعات تاریخی مهمی در باره اوضاع آن روزگار و جایگاه عالمان و طلاب در میان مردم است (ص ۱۹۵-۱۹۹: مجلسی، ج ۱۰۲، ص ۳۳-۳۴).
 الاجازة الکبيرة، در ۱۴۰۹ با مقدمه آیت الله نجفی مرعشی و با تحقیق و تعلیقات محمد سمّامی حائری چاپ شده است.

۲) تذکرة شوشتر (یا فی تاریخ ستر)، از منابع معتبر به زبان فارسی در باره تاریخ شهر شوشتر و مشتمل بر یک مقدمه و ۴۸ فصل است. تألیف کتاب در ۱۱۶۴ به پایان رسیده، ولی پس از آن مؤلف برخی وقایع را تا سال ۱۱۶۹ به آن افزوده است. در اوایل کتاب، وجه تسمیه شوشتر بیان شده است (ص ۱-۳: عبداللّه جزایری، ۱۳۴۸ ش، ص ۳-۴: آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۴۳-۲۴۴).

جزایری در تذکرة شوشتر، علاوه بر بیان موقعیت جغرافیایی و آب و هوای شوشتر و نیز چگونگی معیشت اهالی آن منطقه، به ذکر مسائل سیاسی و تاریخی نیز پرداخته است؛ از این رو، این کتاب در معرفی اواخر عهد صفویه و نیز حکومت و احوال مُشعشعیان، خانواده فرمانروای عرب در خوزستان (حک: ۸۴۵-۱۱۵۰)، بسیار با اهمیت است.

مطالب تذکرة شوشتر را می توان به چهار بخش تقسیم کرد: نخست، ذکر اعتقادات افسانه ای مردم شوشتر در باره شهرشان؛ دوم، شرح موقعیت مکانی و جغرافیایی محله ها و مسجدها و زیارتگاهها، قبور و دیگر مکانهای مذهبی، معرفی خاندانهای علمی و سادات از جمله سادات تَلّغر و سادات مرعشی و شماری از عالمان و شاعران و رجال شوشتر، معرفی حاکمان شوشتر از ۹۳۲ تا زمان مؤلف و ذکر شرح حال جدش سید نعمت الله و پدرش سید نورالدین و نیز شرح حال شاگردان آن دو و جمعی از دوستان و شاگردان خود و بیان فهرستی از تألیفات خود (ص ۱۳۴۸ ش، جاهای متعدد: آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۴۴-۲۴۵)؛ سوم، حوادث شوشتر و منطقه خوزستان از ۹۳۲ تا زمان تألیف کتاب؛ و چهارم، ذکر پاره ای اشعار از مؤلف و دیگر شاعران و معرفی شماری از کتابها و نسخ خطی (برای نمونه ص ۱۳۴۸ ش، ص ۵۰: نیز ص ۲۵۷).

تذکرة شوشتر بارها در کلکته و تهران به چاپ رسیده است. چاپ کلکته، که نخستین چاپ آن است، مقدمه ای انگلیسی در

شرح حال مؤلف دارد. این کتاب در ۱۳۴۸ با مقدمه سید محمد جزایری در تهران چاپ شد (ص آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۴۳، ج ۹، ص ۸۴۲: همو، ۱۳۷۲ ش، ص ۴۵۷).
 ۳) التّحفة السّنیّة، شرح کتاب النّخبة المّحینیة فیض کاشانی، که آن را به درخواست شیخ علی نجّار شوشتری (از شاگردان سید نورالدین جزایری) نوشته است. این کتاب شامل فشرده ای از علم اخلاق و مسائل مهم فقهی است و در ۱۱۷۰ تألیف آن پایان یافته است. آن را در دقت و ایجاز مانند شرح لمعة شهید ثانی دانسته اند (ص عبداللّه جزایری، التّحفة السّنیّة، ص ۳۶۸: همو، ۱۳۴۸ ش، ص ۷۹: همو، ۱۴۰۹، ص ۵۶: آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۴۲-۴۴۳). باب طهارت التّحفة السّنیّة در تهران چاپ شده است. همچنین نسخه های خطی متعددی از آن در دسترس است (ص محمد جزایری، ج ۱، ص ۳۴: آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۴۳).

۴) الذّخیرة الابدیة فی جوابات المسائل الاحمدیة، که آن را در پاسخ به چهل پرسش سیداحمد بن مطلب مُشعشعی حویزی (حاکم وقت خوزستان)، در ۱۱۵۴، به عربی نوشته است (محمد جزایری، ج ۱، ص ۳۸: قس امین، ج ۸، ص ۸۷: آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۱۲). موضوع بیشتر مسائل این کتاب فقهی است و به آن الرسالة الاحمدیة هم گفته می شود. مجموعه ای از رساله های جزایری، که شامل این اثر نیز هست، به کوشش سید محمد جزایری گردآوری شده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۷۶: ج ۲۰، ص ۱۱۴: محمد جزایری، همانجا).

۵) الذّخیرة الرّابع، شرح کتاب فقهی مفاتیح الشّرایع فیض کاشانی، که ناتمام مانده و تنها شامل یک جلد است و مقدمه ای در باره دریاه و اصول فقه دارد. پدر جزایری و برخی علمای دیگر بر آن تقریظ نوشته اند (ص عبداللّه جزایری، ۱۴۰۹، ص ۵۳: آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۶۸۷-۶۸۸، ج ۱۰، ص ۸).

سید عبدالله جزایری در ریاضیات و علوم و فنون وابسته به آن نیز رساله هایی نوشته و شرح یا ترجمه کرده است، از جمله: لُب اللّیاب فی شرح صحیفة الاسطرلاب، که شرحی است بر الصحیفة الاسطرلابیة شیخ بهائی و آن را به درخواست ابراهیم بن عبدالله حویزی همیلی (شاگرد جزایری و امام جمعه حویزه) نوشته است (عبدالله جزایری، ۱۴۰۹، همانجا: آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۳۴۴-۳۴۵، ج ۱۵، ص ۱۶، ج ۱۸، ص ۲۹۰): کاشفة الحال فی معرفة القبلة و الزوال، در باره قبلة حویزه، که آن را به درخواست سید علی خان بن سید مطلب موسوی مشعشعی حویزی (برادر سیداحمد، حاکم وقت خوزستان) نوشته است (عبدالله جزایری، ۱۴۰۹، ص ۵۲:

محمدعلی مدرس تبریزی، ریحانة الادب، تهران ۱۳۷۴ ش؛ موسوعة طبقات الفقهاء، اشرف جعفر سبحانی، قم؛ مؤسسة الامام الصادق، ۱۴۲۴-۱۴۱۸.

/ لیلی کریمیان و محمدتقی کرمی /

جزایری، نورالدین، محدث، ادیب و لغوی امامی در

قرن دوازدهم. نام صحیح وی نورالدین است (عبدالله جزایری، کتاب تذکرة شوشتر، ص ۷۶؛ شوشتری، ص ۱۰۵)؛ اما، برخی تذکرة نویسان به اشتباه نام او را علی و لقبش را نورالدین ذکر کرده‌اند (ع خوانساری، ج ۴، ص ۲۵۷؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۳۷۰؛ کحّاله، ج ۱۳، ص ۳۹۲). منشأ این اشتباه، خوانساری است که احتمالاً وی را با سید نورالدین علی بن علی بن حسین بن ابی الحسن موسوی عاملی (متوفی ۱۰۶۸) خلط کرده است (محمد جزایری، ۱۴۱۸، ص ۳۵۹).

نورالدین در ۱۰۸۸ در شوشتر به دنیا آمد (عبدالله جزایری، کتاب تذکرة شوشتر، ص ۷۷؛ شوشتری، همانجا). وی بزرگ‌ترین فرزند سید نعمت‌الله جزایری^۵، محدث نام آور شیعی، بود. مقدمات علوم دینی را نزد پدرش آموخت، سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و از محضر عالمان آن دیار بهره فراوان برد (عبدالله جزایری، کتاب تذکرة شوشتر، ص ۷۶). در اصفهان جزو نزدیکان شاه حسین صفوی گردید و به فرمان وی کتابهایی نوشت (همان، ص ۷۷؛ شوشتری، ص ۱۰۶).

نورالدین در کودکی، در سفری به مشهد مقدّس، با شیخ حُرّ عاملی^۶، محدث پرآوازه شیعی (متوفی ۱۱۰۴)، ملاقات و از وی اجازه روایی اخذ کرد (عبدالله جزایری، کتاب تذکرة شوشتر، ص ۷۶؛ همو، ۱۴۰۹، ص ۶۷).

وی پس از اتمام تحصیلات، به شوشتر بازگشت و پس از وفات پدرش عهده‌دار وظایف شرعی و دینی شد (محمد جزایری، ۱۴۱۸، ص ۳۶۳) و خیلی زود مرجع و مقتدای عام و خاص گشت (شوشتری، همانجا). حزین لاهیجی (متوفی ۱۱۸۰)، که در همین دوره از شوشتر دیدن کرده، نورالدین جزایری را فاضل خوانده و وی را در زمره اعیان و بزرگان آن شهر ذکر کرده است (ص ۲۱۵). نورالدین، که روزگاری را صرف تدریس علوم دینی کرده بود (شوشتری، ص ۱۰۷)، به شهرهای ایران و حجاز و عراق سفر و با عالمان و اعیان و بزرگان دیدار کرد (عبدالله جزایری، ۱۴۰۹، ص ۶۱).

به نوشته شوشتری (ص ۱۰۶)، در حمله نادرشاه به شوشتر و کشتار عده‌ای از اهالی آن شهر، جزایری به دیدار نادرشاه رفت و او را به سبب ظلم و تعدی در حق مردم، نکوهش کرد. به نظر می‌رسد که این گزارش صحت نداشته باشد، زیرا هیچ یک از

آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۴۵، ۲۴۱-۲۴۲؛ طلسم سلطانی، که ترجمه کتاب غایة الحکیم مجریطی (متوفی ۳۹۵) در هیئت، ستاره‌شناسی و طلسمهاست، با اضافاتی از خود وی، این ترجمه به خواست ابوصالح سلطان تُرشیزی وکیل مالیه خوزستان، در ۱۱۵۷ در یک مقدمه و سه فصل تدوین شده است (ع عبدالله جزایری، ۱۳۴۸ ش، ص ۷۹؛ همو، ۱۴۰۹، ص ۵۳؛ آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۱۷۷-۱۷۸).

جزایری بر برخی کتابهای حدیث، رجال، فقه و ریاضی حواشی زده و رساله‌های متعددی نوشته است، از جمله حاشیه بر مسالک الافهام شهید ثانی، نقدالرجال تفرشی، خلاصة الحساب شیخ بهائی و تألیف رساله جوائز السلطان والحکام (ع عبدالله جزایری، ۱۴۰۹، ص ۵۶؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۸۶، ج ۶، ص ۱۹۹، ۲۲۸، ج ۷، ص ۹۷، ج ۲۰، ص ۱۱۴).

جزایری شعر نیز می‌سرود و فقیر تخلص می‌کرد. دیوان شعرش افزون بر پانصد بیت دارد (ع آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۶۹۵، ۸۴۲). علاوه بر آن، وی در پاره‌ای از کتابهای خود، اشعار فارسی و عربی خود را آورده است (برای نمونه ع عبدالله جزایری، ۱۳۴۸ ش، ص ۱۵۴-۱۵۷، ۱۷۴، ۱۷۸، ۲۰۵-۲۰۷، ۲۱۶-۲۱۷؛ برای دیگر آثار جزایری ع همان، ص ۷۸-۷۹؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۲۰۱).

منابع: محمدحسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ همو، طبقات اعلام الشیعة: الکواکب المنتشرة فی القرن الثانی بعد العشرة، چاپ علی‌نقی منزوی، تهران ۱۳۷۲ ش؛ ایرج افشار سیستانی، خوزستان و تمدن دیرینه آن، تهران ۱۳۷۳ ش؛ احمد اقتداری، دیار شهریاران، [تهران] ۱۳۵۳-۱۳۵۴ ش؛ امین؛ مرتضی بن محمدامین انصاری، رسائل فقهیة، قم ۱۴۱۴؛ محمد تقی‌زاده، شوشتر درگذشت تاریخ: از عهد باستان تا انقلاب اسلامی، قم ۱۳۷۸ ش؛ عبدالله بن نورالدین جزایری، الاجازة الکبيرة، چاپ محمد سمّامی حائری، قم ۱۴۰۹؛ همو، التحفة السنية فی شرح نخبة المحسنة، نسخه خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۲۲۶۹؛ همو، تذییل سلافة العصر، چاپ هادی بالیل موسوی، قم ۱۴۲۰؛ همو، کتاب تذکرة شوشتر، اهواز: کتابفروشی صافی، [بی‌تا.]. چاپ افت تهران ۱۳۴۸ ش؛ محمد جزایری، شجرة مبارکه، یا، برگي از تاريخ خوزستان: در بیان انساب و احوال سادات نوری (خاندان جزائری) و بزرگان خوزستان، ج ۱، [اهواز ۱۳۹۷؟]؛ محمد حرزالدین، معارف الرجال فی تراجم العلماء و الادباء، قم ۱۴۰۵؛ خوانساری؛ عبداللطیف بن ابیطالب شوشتری، تحفة العالم؛ و، ذیل التحفة، چاپ صمد موحد، تهران ۱۳۶۳ ش؛ احمد کسروی، کاروند کسروی، چاپ یحیی ذکا، تهران ۱۳۵۲ ش؛ مجلسی؛